



نیم نگاهی به کتاب

دلالة الحائرين

● محمدرضا کاشفی

بدون شک ظهور تفکر فلسفی دینی [یهودی] در قرون وسطی نتیجه اتصال یهود به حوزه فلسفه اسلامی بوده است. می توان گفت: انتشار تفکر اسلامی به دیگر بلاد از سه طریق صورت گرفته است:

- ۱ - غیرمسلمانان، خصوصاً یهود و نصاری.
- ۲ - محصلان خارجی که در بلاد مسلمانان مشغول به تحصیل بودند.
- ۳ - مسلمانانی که به خارج از بلاد اسلامی سفر می کردند.

اولین کسی که از یهودیان به فلسفه اسلامی متصل گشت «سعد یا القیومی» [۲۷۹-۳۳۱ ق] است که سعی کرد مبادی نظری ارسطو را با یهودیت جمع نماید. ابراهیم بن داوود نیز در کتابی تحت عنوان الاعتقاد الرافی که در سال ۱۱۶۱ م. تألیف کرد، تا حدی این روش را پی گیری کرد.^(۱) اما در این میان، هیچ فیلسوفی همچون موسی بن میمون نتوانست که میان آراء ارسطو و کتاب مقدس [تورات] وفاق ایجاد کند.

ابوعمران موسی ابن میمون اسرائیل قرطبی [۵۳۰-۶۰۱ ق] عالم، پزشک، ریاضی دان و اخترشناس، از جمله متکلمان و فلاسفه نامدار قرون وسطی است که در حوزه تمدن اسلامی مجال فعالیت یافت و اهتمام خاصی در تدوین و ایجاد یک نظام فلسفی دینی به خرج داد. او معتقد بود که راه دین و فلسفه در اساس از یکدیگر جدا نیست و دین اصیل نیز تنها در سایه عقل و استدلال و برهان به دست می آید. می توان گفت که ابن میمون در جستجوی تطبیق عقاید وحیانی با پذیرفته های عقل طبیعی بود. مهمترین اثر ابن میمون دلالة الحائرين نام دارد. به دلیل اهمیت و جایگاه این کتاب در تفکر فلسفی قرون وسطی، گزارشی کوتاه را تقدیم جویندگان علم و اندیشمندان می کنیم تا با آگاهی از آن، توجهی جدی به آن مبذول داشته، اهمیت آن را در شناسایی تفکر فلسفه اسلامی - یهودی قرون وسطی، دریابند.

این کتاب در فترتی میان سالهای ۱۱۸۶ م تا ۱۱۹۰ م تألیف یافته است. دلالة الحائرين در قالب فصلها و بابهای متعدد در سه بخش سامان یافته است. این کتاب را موسی بن میمون برای شاگرد برجسته خود «یوسف بن عقین» به رشته تحریر درآورده است.^(۲) در این کتاب از سخنان فلاسفه یهودی، یونانی و اسلامی استفاده شده است، هرچند به همه نامها اشاره نشده است. از مراجع یهودی می توان به این افراد اشاره کرد:

۱ - سعد یاقومی: ج ۱ فصل ۶۵ ج ۲ فصل ۶۳ ج ۳ فصل ۱۷.



اعتقاد ابن میمون، تمثیلهایی در شریعت وجود دارد که واجد معانی باطنی اند؛ اما کسانی که به آن بواطن وقوف ندارند، آن تمثیلهای را حمل بر ظاهر ساخته و چون ظاهر آن با عقل در تعارض است، در حیرت فرو می‌روند که کدام را مقدم دارند؟ شرع را یا عقل را؟

ابن میمون در این کتاب می‌کوشد تا با تبیین اسماء مشترک و مسائل مشکل و با شناساندن معانی باطنی امثال، این حیرت را از میان برده و معانی حقیقی و واقعی آنها را روشن سازد^(۴) تا در این راستا، تعارض بدوی بین عقل و وحی از بین رفته و اینان از حیرت برهند. او در بخشی از مقدمه خود در بخش اول این کتاب می‌گوید:

«می‌دانم مبتدیانی که از بحث و نظر بهره‌ای ندارند، تنها از برخی از فصلهای این کتاب بهره‌مند می‌شوند. اما فرد متشروع و کامل که در حیرت افتاده است، از همه فصلهای آن بهره‌مند خواهد شد و از آن لذت بسیار خواهد برد. کسانی که ذهن و مغزشان با آراء نادرست، پلید و چرکین شده است و راههای نادرست را درست می‌پندارند، از بیشتر فصلهای این کتاب دوری خواهند جست.»^(۵)

درواقع هدف اصلی این کتاب سازش دادن ظواهر تورات با قواعد عقلانی و فلسفی است. از این رو ابن میمون از جمله متفکران بزرگ خردگرا و پیرو اصالت عقل به‌شمار می‌رود و شاید در این زمینه از همه نظایر و امثال خود پیشروتر باشد.^(۶) به اعتقاد وی عقلی که به بشریت ارزانی شده است حلقه وصل و از تباطی میان انسان و خداست.^(۷) بنابراین می‌کوشد که یک نوع وفاق و تقارب میان دین و فلسفه ایجاد کند.^(۸) درواقع او هدفی مشابه ابن سینا (۲۷۰-۴۲۸ ق) و ابن رشد (۵۲۰-۵۹۹ ق) دارد.^(۹) چراکه اندیشه همه این فیلسوفان ارسطویی بوده، برای سازش‌پذیری سرچشمه‌های حکمت با شریعت کوششهای فراوانی به کار بسته بودند.

روش بحث دلالة الحائرين
ابن میمون در این کتاب روشی مشابه با اسلوب کتابهای عربی در زمینه مسایل فلسفی، اخلاقی و فقهی دارد. دلالة الحائرين علاوه بر آنکه از روشهای عقلانی برای اثبات توحید و عدم جسمانیت خدا سود می‌جوید^(۱۰)، آن را در تفسیر برخی از کلمات و جمله‌های تورات نیز به‌استخدام می‌گیرد.^(۱۱) موسی بن میمون علاوه بر آنکه می‌کوشد تا تفسیر صحیحی از توحید، صفات خدا و نبوت به دست دهد، سعی می‌کند تا به برخی از مسائل شریعت پرداخته، شبهات پیرامون آن را برطرف سازد. وی به مسایلی همچون نهی از منکر، قصاص، احکام معاملات، نکاح، طلاق، نجاست،

فصل ۵) و از کلمات اسکندر افرویدی در ج ۱ فصل ۳۰، ج ۲ فصل ۳، ۱۵ و ۲۲ سود می‌جوید.^(۱۲)

دلیل نامگذاری کتاب دلالة الحائرين

چرا این کتاب به دلالة الحائرين [راهنمای سرگشتگان] نامگذاری شده است؟ ابن میمون خود به این پرسش پاسخ داده است. او می‌گوید در نوشتن این کتاب قصد تفهیم عوام و مبتدیان فکری را نداشته، همچنین عهده‌دار تعلیم کسانی که تنها به علوم شرعی نظر دارند، نگشته است بلکه مخاطب این نوشتار سرگشتگانند. این حائرين چه کسانی‌اند که موسی بن میمون قصد راهنمایی ایشان را دارد؟ به اعتقاد خود او، آنان سرگردانانی‌اند که اخلاق و دینشان کامل و از علوم شرعی و فقهی بهره‌ای برده‌اند و فلسفه نیز می‌دانند و هنگامی که به علوم عقلی می‌پردازند، بدان گرایش پیدا می‌کنند، ولی وقتی به مسایل مشکل در شریعت برخورد می‌کنند، در حیرت و دهشت می‌مانند و نمی‌دانند که منقاد عقل گشته و قواعد شریعت را طرد کنند یا بر فهم ظاهر شریعت بسنده کرده، مجذوب عقل نگردند؟ به

- ۲ - بخیا ابن فقور: ج ۱ فصل ۵۹، ج ۳ فصل ۸
 - ۳ - سلیمان بن جبرول معروف به ابی ایوب سلیمان بن بحیا: ج ۲ فصل ۴۲
 - ۴ - یهود اللوری (شاعر یهودی): ج ۱ فصل ۵۲ و فصل ۵۴
 - ۵ - ابراهیم بن حیّا: ج ۱ فصل ۴۵
 - ۶ - ابن داوود: ج ۱ فصل ۵۲، ج ۳ فصل ۳۳، ج ۲ فصل ۹ و فصل ۲۴
 - ۷ - ابراهیم بن عذرا: ج ۳ فصل ۲۰
- از فیلسوفان اسلامی به این افراد اشاره نموده است:
- ۱ - ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۷۸ و ص ۴۳۴، ج ۲ ص ۸۲ و ص ۱۸۸، ۲۸۶، ج ۳ ص ۲۲۲، ۳۳۸
 - ۲ - ابوبکر بن صائغ: ج ۱ ص ۲۷۸ و ص ۴۳۴، ج ۲ ص ۸۲ و ص ۱۸۸، ۲۸۶، ج ۳ ص ۲۲۲، ۳۳۸
 - ۳ - ابن طفیل: ج ۱، صفحه ۱۲، ۳۵۸
 - ۴ - محمد بن زکریا ابوبکر رازی: ج ۳ ص ۶۶ و ۶۹
 - ۵ - فارابی: ج ۱ ص ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۴۰۴، ۴۳۸، ج ۲ ص ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۵۹، ج ۳ ص ۱۳۹ و ۶۲
- از افرادی چون ارسطو با عظمت نام می‌برد (ج ۱



طهارت و احکام عبادی نیز می‌پردازد و می‌کوشد تا حکمت مسایل عبادی - معاملی را بیان کند. او معتقد است که عبادات برای اصلاح نفس و بدن و برای تقویت جنبه‌های اخلاقی بشر لازم و ضروری است. او با استفاده از آیات تورات و شرح آنها از حریم این فریضه‌ها دفاع می‌کند.^(۱۲)

می‌توان گفت روش موسی در این کتاب، همانند متکلمی است که هدف و غرض اصلی‌اش دفاع از حریم شریعت است و در این راستا سعی می‌کند که از روشهای متفاوت - عقل و نقل - برای اثبات حقانیت شریعت خود سود جوید. علاوه بر آنکه نمی‌توان حریم خاصی برای مباحثش مطرح کرد چرا که او در هر نقطه‌ای که وجود شبهات، امکان صدمه زدن به شریعت را داشته باشد، حاضر بوده و تلاش می‌کند آن را دفع نماید. بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که این کتاب مشتمل بر موضوعات متفاوت و گوناگون باشد. از تفسیر تورات گرفته تا اثبات خدا، عدم جسمانیت او، صفات خدا، مسأله شر، وحی، معجزه، فرائض عبادی و معاملی و مباحث اخلاقی.^(۱۳)

مباحث دلالة الحائرين

برای آشنایی اجمالی از مباحث این کتاب، گزارشی کوتاه ارائه می‌کنیم:

در حدود ۵۰ فصل از جزء اول این کتاب در مورد ماهیت خدا، کیفیت ادراک و تعریف توحید است. فصلهای ۵۰ تا ۶۰ به موضوع صفات خدا و در راستای آن فصلهای ۶۱، ۶۲، ۶۳ به اسماء خداوند، اختصاص یافته است. در فصلهای پایانی جزء اول به فرقه‌های متکلمان اسلامی - معتزله و اشاعره - و کلام یهودی اشاره می‌کند. (فصل ۷۱). نگاه در چهار فصل اساس دیدگاه‌های متکلمان را پیرامون توحید مطرح می‌کند و آنها را مورد مناقشه قرار می‌دهد. (فصلهای ۷۲ تا ۷۶).

در جزء دوم، ابن میمون، غرض خود را از تألیف این بخش برای شاگرد خود چنین بیان می‌کند که هدف او در این جلد، نه نقل کتابهای فیلسوفان است نه تألیفی در علم طبیعت و هیئت بلکه به واسطه این مباحث می‌خواهد مسایل مشکل شریعت را حل کند و حقایق بواطن شریعت را آشکار سازد.^(۱۴)

آغاز جزء دوم در اثبات وجود خدا و برهانهایی است بر جسم نبودن و قوه نبودن خداوند. و سپس مباحثی در مورد افلاک و ماهیت ملائکه (فصل ۱ تا ۱۱). فصل ۱۲ و ۱۴ در زمینه حدوث و قدم عالم است و در این راستا سخن ارسطو و افلاطون در فصل ۱۴ تا ۳۱ به نقد کشیده شده است. موسی بن میمون از فصل ۳۲ تا ۴۱ موضوع نبوت، ماهیت، درجات و تعریف آن در نزد ملت‌های مختلف و فیلسوفان مطرح کرده، می‌کوشد تا آراء صحیح از غیر صحیح را شناسایی کند. فصلهای

پایانی جلد دوم به بررسی وحی، مجازها و استعاره‌ها و تمثیلهای متفاوت در کلمات انبیاء اختصاص یافته است. (۴۲ تا ۴۸).

جزء سوم، با شرح رؤیای حزقیال آغاز می‌شود و تمام اصطلاحات مشکلی که در این موضوع وجود دارد، مطرح می‌شود (فصل ۱ تا ۷) سپس به مباحثی در مورد ماهیت شر، مصایب عالم و انواع شر می‌پردازد (فصل ۸ تا ۱۲) ابن میمون در فصل ۱۳ این بخش متذکر می‌شود که لازم و ضروری است انسان از غایت وجودش بحث نماید. مباحثی چون «ارادة خدا در تنظیم افلاک و حرکات انسان» و «علم خدا» نیز در این جزء مورد بررسی قرار می‌گیرد (فصل ۱۴ تا ۱۶، ۲۰ و ۲۱) موضوع «عنایت خداوند» نیز در فصل ۱۷ تا ۱۹، ۲۲ و ۲۳ مطرح گشته است. فصلهای ۲۵ تا ۳۰ به مباحث عبادی و معاملی اختصاص یافته در پایان این جزء (فصل ۵۱ تا ۵۴) موضوعاتی در علم اخلاق آمده که به گفته ابن میمون غایت قصوای حیات انسانی است.

چنانکه ابن میمون در مقدمه جزء اول این کتاب گفته است^(۱۵)، یک نوع ارتباط منطقی میان فصلها و بابها به چشم می‌خورد و گویا یک سیر انسجام‌یافته‌ای را طی می‌کند. حتی اگر فصل یا فصلهایی در میان موضوع خاصی مطرح می‌شود، در واقع مبحثی تمهیدی و مقدمی برای آن موضوع تلقی می‌شود. می‌توان ادعا کرد که هیچ فصل بیگانه‌ای از موضوع، هدف و سیر او در این مباحث یافت نمی‌شود. جالب تر آنکه، این کتاب از مباحث خداشناسی آغاز و به هدف غائی که همان بازگشت به خداست پایان یافته است.

برخورد اندیشمندان یهودی با دلالة الحائرين

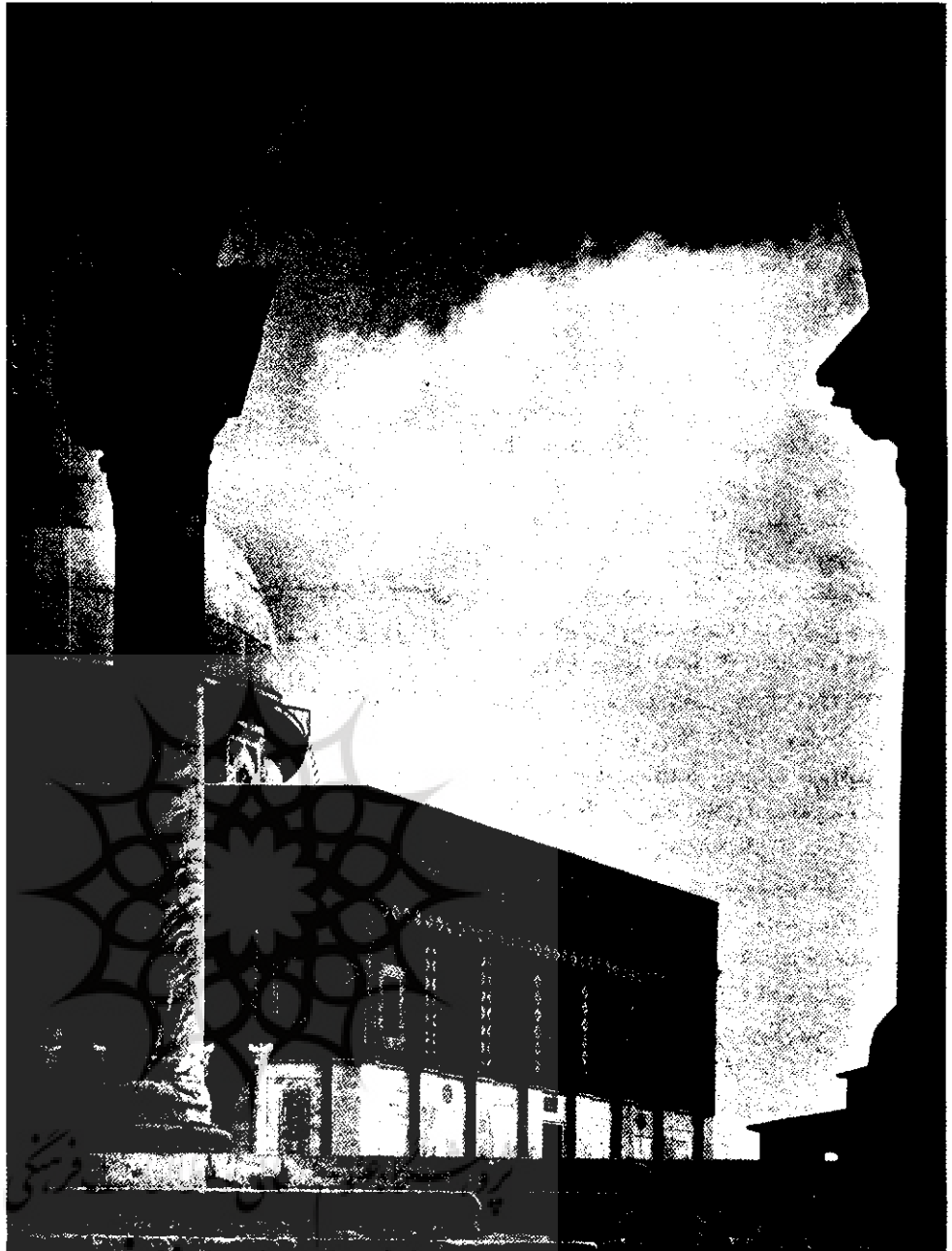
این کتاب در میان علمای یهود جنجال زیادی برپا کرد، برخی این کتاب و آراء آمده در آن را رد کردند و سعی ابن میمون را در تطبیق فلسفه و شریعت موسی محکوم ساختند. یکی از مهمترین آنها سلیمان بن ابراهیم از اهالی مون پلیم بود. طرفداران سلیمان کسانی را که از مضامین دلالة الحائرين پیروی می‌کردند، تهدید به تکفیر و محرومیت از حقوق دینی کردند. دشمنان ابن میمون فرقه مسیحی دمینیکن را بر ضد عقاید پیروان او برانگیختند و آنان نوشته‌های ابن میمون را در مون پلیم و پاریس به آتش انداختند.^(۱۶)

اما از سوی دیگر این کتاب مورد توجه بسیاری قرار گرفت، از جمله می‌توان به طرفداران ابن میمون در جنوب فرانسه اشاره کرد که سلیمان بن ابراهیم، پیروان او را مشمول «لعن محرومیت» ساختند. بعضی نیز دیدگاه‌های موسی را به قدری توسعه دادند که تمام تاریخ منصوص (توراتی و انجیلی) را تمثیل دانستند.^(۱۷)

◀ حکیم در نظرگاه ابن میمون کسی است که عارف به خداوند و اوصاف او و متخلق به اخلاق و اوصاف الهی باشد

◀ در واقع هدف اصلی این کتاب سازش دادن ظواهر تورات با قواعد عقلانی و فلسفی است. از این رو ابن میمون از جمله متفکران بزرگ خردگرا و پیرو اصالت عقل به شمار می‌رود و شاید در این زمینه از همه نظایر و امثال خود پیشروتر باشد.

◀ موسی بن میمون علاوه بر آنکه می‌کوشد تا تفسیر صحیحی از توحید، صفات خدا و نبوت به دست دهد، سعی می‌کند تا به برخی از مسائل شریعت پرداخته، شبهات پیرامون آن را برطرف سازد. وی به مسایلی همچون نهی از منکر، قصاص، احکام معاملات، نکاح، طلاق، نجاست، طهارت و احکام عبادی نیز می‌پردازد و می‌کوشد تا حکمت مسایل عبادی - معاملی را بیان کند.



منتشر شده است. (۲۱)

این اثر بارها و به زبانهای مختلف مانند انگلیسی و آلمانی به چاپ رسیده است. برای آشنایی علاقمندان، فهرست مهمترین آنها را گزارش می‌کنیم:

۱- ابن میمون، موسی. دلالة الحائرین [به عبری: موره نیوکیم]، ویرایش. ی. جوئل (I. Joel)، اورشلیم، ۱۹۳۰-۱۹۳۱ م.

۲- ترجمه عبری از صموئیل ابن تبون، ویلنا، ۱۹۱۴ م.

۳- ترجمه عبری از یهودا الہریزی، ویرایش ل. شلوسبرگ (L. Schlossbrg) ۳ جلد، لندن ۱۸۵۱-۱۸۷۶ م. ۱۸۷۹ م.

۴- ترجمه لاتینی [از روی ترجمه عبری هریزی] با عنوان

Rabi Mossei Aegyptii seu Director bubitanotiam per plekorum. Paris. A. Justinianus. 1520 (م)

۵- ترجمه فرانسه *Le Guide des Egres* همراه با متن عبری، ویرایش و ترجمه توسط سالومون [سلیمان] مونک (Salomon Munk)، پاریس، ۳ جلد ۱۸۵۶-۱۸۵۶ م.

۶- ترجمه انگلیسی، سه جلد *The guide of the perplexed*. Michael fride - English London. 1881

۷- ترجمه انگلیسی: *The Guide of the perplexed*, S. Pines. Chicago: شیکاگو، ۱۹۶۳

۸- ترجمه آلمانی *Führer der ungeschlüssingeh*، ترجمه و ویرایش ادولف وایس (Adolf Weiss)، لایپزیگ، ۱۹۲۳ م.

۹- افودی: شرحی بر موره نیوکیم ابن میمون. ویلنا، ۱۹۱۴ م.

۱۰- ترجمه آلمانی: جزء اول: فیرستنتال R. Fürstenthol، شهر کروتوشین، ۱۸۳۹ م.

۱۱- جزء دوم: نشر شترن E. Vonstern، شهر فینا، ۱۸۶۴ م.

۱۲- جزء سوم، نشر شیر Dr.s.sheyer، فرانکفورت، ۱۳۳۸ م.

۱۳- ترجمه انگلیسی: فریدلندر، M. Fried Lander، شهر لوندرا ۱۸۸۵-۱۸۸۱ م.

۱۴- ترجمه ایتالیایی: مارونی David Jacob Muroini، ۱۸۷۶-۱۸۷۰ م.

کتابی نیز در زمینه چگونگی تدریس دلالة الحائرین توسط Leo. strauss که مدت ۲۵ سال این کتاب را تدریس کرده، نوشته شده است:

How to Begin to study the Guide of the perplexed. The university of chicago perss. 1963. (۲۲)

تبریزی بر مقدمات بیست و پنجگانه - که در آغاز جزء دوم این کتاب برای اثبات توحید و عدم جسمانیت خدا مطرح شده است - شرح نوشت. این شرح را محمدزاهد کوثری در سال ۱۳۶۹ ق. در قاهره منتشر کرد. (۱۹) در ایران دکتر مهدی محقق این مقدمات را با ترجمه فارسی دکتر سیدجعفر سجادی در سال ۱۳۶۰ ش. به چاپ رسانید. حسدایی کرسکاس عالم یهودی در سال ۱۴۱۰ م در سر قسطه این ۲۵ مقدمه را در اثر خود به نام «نور خدا» نقد کرده است. این قسمت با ترجمه و مقدمه و تعلیقات ولفنسن به زبان انگلیسی با عنوان «انتقاد کرسکاس از ارسطو» در ۱۹۲۹ م در نشریات دانشگاه هاروارد منتشر شده است. (۲۰)

متن عبری این کتاب در سال ۱۹۷۴ م در آنکارا به کوشش حسین آتای منتشر شده است. حسین آتای متن عبری با خط عبری را از روی نسخه موجود دو کتابخانه چارالله استانبول به طبع رسانده است. این کتاب، در بیروت افست و توسط مکتبه الثقافة الدینیة

نسخه و ترجمه‌های دلالة الحائرین این کتاب که به زبان عربی و خط عبری نوشته شده در زمان خود ابن میمون شهرت زیادی به دست آورد و یکی از علمای یهود در شهر لونیل در جنوب فرانسه به نام شموئیل بن یهود اتبونی، معروف به ابن تبون آن را با اجازه ابن میمون به عبری ترجمه کرد و با آنکه میان شهر لونیل و شهر فسطاط فاصله زیادی بود، فصل به فصل نزد وی می‌فرستاد و پس از تصدیق صحت ترجمه آن را منتشر می‌ساخت. این ترجمه پیش از مرگ ابن میمون به پایان رسید. ابن تبون فرهنگی هم در اصطلاحات فلسفی به عبری بر آن افزود. یکی دیگر از اندیشمندان یهودی به نام هریزی که شاعر هم بود، در همان زمان، ترجمه دیگری از دلالة الحائرین به دست داد، ولی ترجمه او مورد استقبال قرار نگرفت و ابراهیم پسر ابن میمون ترجمه ابن تبون را ترجیح داد و ترجمه هریزی را نادرست خواند. (۱۸)

مسلمانان نیز به این کتاب توجه کرده‌اند، ابو عبدالله

حکمت از دیدگاه ابن میمون

گرچه هدف این نوشتار معرفی اجمالی کتاب دلالة الحائرين بود اما مناسب می‌دانم که در پایان این مقال، اشاره‌ای اجمالی به دیدگاه این فیلسوف ژرف‌اندیش در باب حکمت داشته باشم.

در نظرگاه ابن میمون حکمت در لغت عبرانی دارای ۴ معنا است:

الف) ادراک حقایق، مانند این آیات: «اما حکمت کجا پیدا می‌شود؟»^(۲۳)، «اگر آن‌را مثل نقره می‌طلبیدی و مانند خزانه‌های مخفی جستجو می‌کردی، آنگاه ترس خداوند را می‌فهمیدی و معرفت خدا را حاصل می‌نمودی، زیرا خداوند حکمت را می‌بخشد.»^(۲۴)

ب) دانش صنایع و حرفه‌ها، مانند: «همه دانادلان از شما بیایند»^(۲۵) «و همه زنان دانا دل به دستهای خود می‌رشتند.»^(۲۶)

ج) فضایل اخلاقی، مانند: «و مشایخ او را حکمت آموزد»^(۲۷)، «نزد پیران حکمت است»^(۲۸).

د) مهربانی و نیرنگ، مانند: «بیایند با ایشان به حکمت رفتار کنیم»^(۲۹) «برای بدی کردن ماهرند [حکیمند]»^(۳۰).

به اعتقاد ابن میمون به حسب این بیان لغوی، عالم به کل شریعت به دو جهت حکیم نام دارد: از یک جهت که شریعت مشتمل بر فضایل نظری است و از جهت دوم که مشتمل بر فضیلت‌های اخلاقی است.

موسی بن میمون برای تشریح مقصود خود از حکمت، مقدمه‌ای را مطرح می‌کند، وی در این مقدمه می‌گوید: در اندیشه فیلسوفان متقدم و متأخر کمالات موجود برای انسان چهار نوع است:

۱ - کسب مال، لباس، بنده، زمین و امثال آن که از همه کمالات پایین‌تر و اهل زمین بدان راغب‌ترند. به اعتقاد فیلسوفان اگر کسی برای کسب چنین کمالاتی کوشش کند، تلاش برای خیالی محض کرده است، چرا که این کمالات ثابت ندارد و اگر ثابت هم بماند در مدت حیات؛ کمالاتی را برای ذات انسان به ارمغان نمی‌آورد.

۲ - اعتدال در مزاج و تناسب اعضا و قوا. این کمالات از حیث انسانی انسان نیست بلکه از جهت حیوانیت اوست. این کمالات فواید جسمانی دارد ولی فواید نفسانی ندارد.

۳ - فضایل اخلاقی. اکثر فرایض در شریعت برای نیل به این نوع کمالات است، اما فضایل اخلاقی برای منفعت غیر است و غایتی ماوراء خود دارد چرا که این کمالات زمینی و وسیله‌ای برای منفعت مردم است. اگر شخصی به تنهایی زندگی کند و هیچ ارتباطی با دیگران نداشته باشد. فضایل اخلاقی در مورد او عاقل و باطل است.

۴ - حصول فضیلت‌های فکری و عقلی که کمالات انسان حقیقی است. چنین کمالاتی وراء خود غایتی ندارد و فایده‌اش ایمنی دایمی است و به سبب این کمالات، انسان، انسان می‌گردد. تمام کمالات سه گانه گذشته مقدمه‌ای برای این کمالات ولی این کمالات برای خود انسان است و بس. «جوئیهای تو بیرون خواهد ریخت و نهرهای آب در شوارع عام؛ و از آن خودت به تنهایی خواهد بود و نه از آن غریبان با تو»^(۳۱)

به اعتقاد ابن میمون آرمیاء در مورد این کمالات چهارگانه چنین گفته است: «خداوند چنین می‌گوید: حکیم از حکمت خود فخر ننماید. و جبار از تنومندی خویش مفتخر نشود و دوست دولت‌مند از دولت خود افتخار نکند بلکه هر که فخر نماید از این فخر کند که فهم دارد و او را می‌شناسد؛ که من یهوه هستم که رحمت و انصاف و عدالت را در زمین بجا می‌آورم.»^(۳۲) این ترتیب ذکر شده در کلمات آرمیاء قابل تأمل است و بیانگر چهار نوع کمالاتی است که بدان اشاره شد یعنی غنی بودن [کمال مالی]، قدرتمند بودن [کمال جسمی]، صاحب فضایل اخلاقی بودن [کمال اخلاقی]، معرفت خداوند [کمال نظری]. و گفته شده که بهترین کمالات همان معرفت خداوند متعال است.

به اعتقاد موسی بن میمون پس از شناخت خداوند و ادراک عنایت او به مخلوقاتش [یعنی ایجاد و کیفیت تدبیر مخلوقات] است. پس از آن، سیره عملی شخص باید این باشد که خود را متصف به اوصاف خداوند و متخلق به اخلاق او گرداند. و چون بیان کردیم که حکیم در لغت به صاحب فضائل نظری و اخلاقی اطلاق می‌شود، حکیم در نظرگاه ابن میمون کسی است که عارف به خداوند و اوصاف و متخلق به اخلاق و اوصاف الهی باشد.^(۳۳)

یادداشت‌ها

۱ - ولفسن، اسرائیل، موسی بن میمون حیات و مصنفاته، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، الطبعة الأولى، مصر، ۱۳۵۵ ق. صص ۵۸ و ۵۹. سعید شیخ، مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی، ترجمه دکتر مصطفی محقق داماد، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش. تهران صص ۱۹۰.

۲ - همان صص ۶۰ و ابن میمون، موسی، دلالة الحائرين، م. مقدمه XXVIII.

3 - Louis - Germainlevy, Mamonide, Paris, 1932, chapitre II: Sources de Maimonide, p. 28-48.

به نقل از موسی بن میمون حیات و مصنفاته، صص ۶۲.

۴ - دلالة الحائرين، ج ۱، مقدمه، صص ۹ و ۱۰.

۵ - همان، صص ۲۱.

۶ - زریاب، عباس: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول تهران، ۱۳۷۲ ش. ص ۵، ص ۲. دامبی‌یر، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، سازمان سمت چاپ اول، تهران ۱۳۷۱ ه. ش. ص ۱۰۱. کورین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله مشیری، امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۰۵. ژیلسون، آتین. عقل و وحی، ترجمه شهرام پازوکی، ص ۴۹. اسمیت، جان ای. مقاله فلسفه و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، مندرج در کتاب فرهنگ و دین هیئت مترجمان، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳.

۷ - دلالة الحائرين، ج ۳، فصل ۵۲.

۸ - همان، فصل ۵۴.

۹ - هالینگ دیل. ر.ج. مانی و تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، کیهان، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۴، ص ۱۲۴.

۱۰ - دلالة الحائرين، جزء اول، فصلهای ۷۳ تا ۷۶، جزء دوم، مقدمه و فصلهای ۱ و ۲.

۱۱ - همان، جزء اول، فصلهای ۱-۵۰.

۱۲ - همان، جزء سوم، فصلهای ۲۵ تا ۵۰.

۱۳ - ر.ک. موسی بن میمون حیات و مصنفاته، صص ۱۲۱ تا ۱۲۵.

۱۴ - دلالة الحائرين، ج ۲، فصل ۲، ص ۲۸۲. و همینطور مقدمه جزء دوم، ص ۲۳۳.

۱۵ - همان، مقدمه، ص ۱۵.

۱۶ - موسی بن میمون حیات و مصنفاته، ص ۱۳۳. ناس. جان. تاریخ جامع ادیان، علی‌اصغر حکمت انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش. تهران، ص ۴۲۵.

۱۷ - موسی بن میمون حیات و مصنفاته، ص ۱۳۳ و تاریخ علم، دامبی‌یر، ص ۱۰۱.

۱۸ - همان، صص ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶.

۱۹ - ابْن میمون، المقدمات الخمس و العشرون، شرح ابن عبدالله بن محمد بن ابی‌بکر بن محمد تبریزی، صحیح و قدم محمد زاهد الکوثری، جمادی الثاني، سنة ۱۳۶۹ ق. قاهره.

۲۰ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، صص ۱۱ و ۱۲.

۲۱ - آدرس‌های دلالة الحائرين در این مقاله بر طبق همین چاپ می‌باشد.

۲۲ - فهرست این منابع با استفاده از فهرست راهنما در کتاب: ولفسن، هری اوسترین، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، الهدی، چاپ اول، ۱۳۶۸ تهران، صص ۸۱۰ و ۸۱۱ و کتاب موسی بن میمون حیات و مصنفاته صص ۱۲۸-۱۳۱، تهیه شده است.

۲۳ - ایوب ۱۲/۲۸، ص ۸۱۲، کتاب المقدس، انجمن بخش کتب مقدسه، بی‌تا، بی‌جا.

۲۴ - امثال ۴/۲، ص ۹۴۹، همان.

۲۵ - خروج ۱۰/۲۵، ص ۱۴۱، همان.

۲۶ - خروج ۲۵/۲۵، ص ۱۴۱، همان.

۲۷ - مزمو ۲۲/۱۰۵، ص ۹۱۳، همان.

۲۸ - ایوب ۱۲/۱۲، ص ۷۹۷، همان.

۲۹ - خروج ۱۰/۱، ص ۸۲، همان.

۳۰ - آرمیاء ۲۲/۴، ص ۱۰۹۹، همان.

۳۱ - امثال ۱۷/۵-۱۸، ص ۹۵۳، همان.

۳۲ - آرمیاء ۲۳/۹ و ۲۴/۱، ص ۱۰۱۹، همان.

۳۳ - دلالة الحائرين، جزء سوم، فصل ۵۴، صص ۷۳۷ تا ۷۴۴.